

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهری (مورد مطالعه: منطقه دیزج شهر همدان)

موسی عنبری^۱ و سارا بقایی^۲

تاریخ دریافت: ۷ اردیبهشت ۱۳۹۳

تاریخ پذیرش: ۶ اسفند ۱۳۹۳

چکیده

در ادبیات آسیب‌شناسی اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های بدیهی رفتارهای انحرافی، کمبودهای مادی و ضعف اقتصادی است. به همین میزان نقش عوامل غیرمادی و فرهنگی، فرعی انگاشته شده است. در این پژوهش ارتباط مهمترین مؤلفه‌های "فرهنگ فقر" (نظریه‌ای پذیرفته‌شده در ادبیات توسعه) با میزان آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهری بررسی می‌شود. جامعه آماری پژوهش با ویژگی‌هایی که اسکار لوئیس برای پیدایی و رشد فرهنگ فقر بر می‌شمرد مطابقت دارد. نمونه تحقیق ۳۸۳ نفر از زنان مبتلا و میرا از آسیب‌اند که با استفاده از پرسشنامه، اطلاعات مربوط به ایشان جمع‌آوری شده است. در بررسی انواع آسیب‌ها؛ "اعتیاد"، "خودکشی"، "دزدی" و "تن‌فروشی" به ترتیب اولویت، بیشترین فراوانی را در منطقه مورد پژوهش دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد برخی از صفات غالب فرهنگ فقر، در خانواده‌های افراد آسیب‌دیده وجود دارد. نگرش‌ها و رفتارهای موسوم به فرهنگ فقر اعم از بی‌انضباطی، بی‌تعهدی و جمع‌گریزی، مقوم و ترغیب‌کننده زنان مورد بررسی به سوی آسیب‌های خاص است. افراد مبتلا (زنان آسیب‌دیده) نسبت به افراد میرا (زنان فاقد آسیب) بیشتر گرفتار فرهنگ و باورهای فقرگرایانه‌اند. به بیانی روشن‌تر، فقر از طریق مؤلفه‌های فرهنگی شامل نابسامانی اقتصادی، بی‌تفاوتی اجتماعی، نابسامانی خانوادگی و ناامیدی، به ایجاد و افزایش آسیب در نمونه مورد مطالعه منجر شده است.

کلید واژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، حاشیه‌نشینی، زنان، فرهنگ فقر، همدان.

۱. دانشیار گروه مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. anbari@ut.ac.ir
 ۲. کارشناس ارشد توسعه اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). sarahbaghaei@gmail.com
- مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سارا بقایی با عنوان "بررسی اثرات عوامل اجتماعی و اقتصادی (با محوریت فقر و کلیشه‌های جنسیتی) بر آسیب‌های اجتماعی زنان منطقه شهری و منطقه روستایی دیزج همدان" است که با راهنمایی دکتر موسی عنبری در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه تهران دفاع شده است.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi **Director in Charge:** Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 **Website:** www.jrd.ut.ac.ir **Email:** jrd@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

پرسش از رابطه فقر و آسیب، سؤالی باسابقه است که تقریباً همگان به رابطه مثبت این دو نظر داده‌اند. به دفعات تکرار شده که عامل اصلی مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی، فقر و به بیان تفصیلی‌تر نداشتن شغل، سرمایه و درآمد اقتصادی است، یعنی پذیرفته‌ایم که در هر جامعه، قشری که در فقر زندگی می‌کنند بیشتر از دیگران در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. برای مثال محلات حاشیه‌نشین و فقیرنشین را اجتماعات آسیب‌خیز می‌خوانیم. معمولاً این محلات علاوه بر این که با فقر مالی خانواده‌ها تعریف می‌شوند، به لحاظ فرهنگی و مدنی نیز ویژگی‌ها و معضلاتی دارند که باعث عدم پذیرش آنان در جامعه بزرگتر و تثبیت رفتارشان در فرهنگ غالب است. گاهی این الگو، بسیار آسیب‌زا و لطمه‌زننده است و نه تنها در درازمدت باعث آسیب به فرد و جامعه می‌شود بلکه امید به تغییر شرایط را از بین می‌برد. آنچه تاکنون تحت عنوان فقر در نظر گرفته شده غالباً وجوه اقتصادی و مادی این پدیده است، در حالی که بحث فرهنگی و اجتماعی، علی‌رغم اهمیت آن، در سایه برجستگی بحث اقتصادی رنگ باخته است. فقر به معنای محروم بودن از امکانات ابتدایی و ضروری برای ادامه زندگی به اشکال مختلف با آسیب‌های اجتماعی مرتبط می‌شود. در این زمینه، دو دسته مطالعات صورت گرفته است، دسته اول مطالعاتی است که بین فقر و آسیب‌دیدگی همبستگی مثبت برقرار می‌کنند (فقر بیشتر، آسیب بیشتر) و دسته دوم مطالعاتی است که ترکیب مجموعه‌ای عوامل را در زمینه آسیب‌دیدگی مؤثر می‌دانند. تحقیق حاضر ترکیبی است از هر دو نوع مطالعه، به این معنی که با انتخاب نظریه فرهنگ فقر اسکار لوئیس تلاش شده است تا دو جنبه مهم مطالعات حوزه آسیب (فقر و سایر عوامل مؤثر) بررسی شود.

هدف این پژوهش، بیان نقش و اهمیت عوامل غیراقتصادی (به‌ویژه عوامل اجتماعی و فرهنگی) در کنار مؤلفه‌های معیشتی و نیازهای اولیه است. نظریه "فرهنگ فقر" به‌طور خلاصه بر این نکته تمرکز می‌کند که نقش عوامل غیراقتصادی (فرهنگی - اجتماعی) کمتر از عوامل اقتصادی نیست. ناامیدی، بی‌تفاوتی، ترس، آسیب‌پذیری فرهنگی، بسترهای آسیب‌پذیری مادی و اقتصادی را فراهم می‌کنند. با توجه به میزان بالای بزهکاری و جنایت در محلات حاشیه و فقیرنشین، محققان در پی کشف دلایل آن برآمده و غالباً از زاویه اقتصادی به مسائل نظر کرده‌اند. نمونه غالب این رویکرد،

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

طرفداران روایت معروف "فقر و فحشا" هستند که عمده مشکلات اجتماعی چون فحشا را در ضعف مالی و فقر می‌بینند. در اینکه چرا زنان در این بررسی مورد توجه قرار گرفته‌اند باید گفت گرچه قاعدتاً فقر تأثیر غیر قابل انکاری بر آسیب‌دیدگی دارد، برای زنان وضعیت ویژه‌ای را ایجاد می‌کند. به عبارتی فقر زنان به مراتب فراتر از فقر مادی و مسئله تأمین امکانات ضروری زندگی است و شامل جنبه‌های وسیعتری چون دسترسی به فرصت‌ها، محرومیت از حق انتخاب، اتکا به خود، اعتماد به نفس، توانایی و امکان مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود. زنان به خاطر زن بودن بیشتر در معرض فقر قرار دارند. فقر زنان فقط جنبه اقتصادی ندارد. جنبه‌های روانی و اجتماعی فقر زنان نیز مهم‌اند (شادی‌طلب، ۱۳۸۴). یعنی همان نکته‌ای که نظریه فرهنگ فقر بر آن تأکید می‌کند یعنی اهمیت جنبه‌های غیر مادی فقر.

بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا لزوم حاشیه‌نشینی و وضعیت ضعیف اقتصادی و فرهنگی، زنان را به سمت آسیب سوق می‌دهد؟ یا مؤلفه‌های اثرگذار دیگری در میان است. بدین منظور دو دسته زنان مبتلا (به آسیب) و مبرا (از آسیب) ساکن یک منطقه (دیزج)، بر اساس مؤلفه‌های فرهنگ فقر با هم مقایسه شده‌اند تا اهمیت نقش عناصر فرهنگی فقر بر آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه در زنان، شناخته شود.

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا تفاوت معناداری بین فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهری وجود دارد یا خیر؟ اگر وجود دارد، این تفاوت چگونه است. بر این اساس، فرهنگ فقر به پنج بعد اساسی تقسیم شده است و هرکدام به صورت مجزا بررسی شده‌اند. مؤلفه‌های نابسامانی خانوادگی، تعلق محلی، ناامیدی، نابسامانی اقتصادی و در نهایت نابسامانی اجتماعی که با مصادیقی چون داشتن یا نداشتن سواد یا پیگیری اخبار سیاسی سنجیده شده، از نشانه‌های فرهنگی فقر در نظر گرفته شده است.

پیشینه تحقیق

"فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه فقر" عنوان طرحی است که به روش فراتحلیل به مرور مطالعات فقر با رویکردهای مختلف پرداخته است (محمدی، ۱۳۸۹). در این فراتحلیل ۸۵ مطالعه درخصوص فقر از حوزه‌های مختلف اقتصادی، جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی اقتصادی، مردم‌شناسی و جغرافیا بررسی شده، که از این تعداد ۵۲ مطالعه (۶۱ درصد) پایان‌نامه، ۳۱ مطالعه (۳۶ درصد) مقاله و ۲ مطالعه نیز در قالب کتاب بوده است. نتایج توصیفی حاکی از مشهود بودن "رویکرد اقتصادی به فقر در ایران" است، به طوری که ۵۶ مطالعه (۶۶ درصد) با رویکرد اقتصادی به فقر پرداخته‌اند. فقر، آسیب‌پذیری و توسعه (مطالعه موردی منطقه روستایی گرمسار) عنوان مقاله‌ای است از مصطفی ازکیا (۱۳۸۱). نتایج مطالعه حاکی از این است که اکثر فقرا به دلیل نداشتن پول و سرمایه، پایین بودن سطح سواد، نداشتن قدرت در سازمان‌های محلی و منطقه‌ای و پایین بودن منزلت اجتماعی، توانایی به دست آوردن منابع مختلف مادی و غیر مادی را ندارند و این خود باعث آسیب‌پذیری بیشتر آنها می‌شود.

مقاله "بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۵)" به بررسی وضعیت ایران در پنجاه سال اخیر می‌پردازد (عنبری، ۱۳۸۸). مقاله حاضر که با روش اسنادی تدوین شده است نشان می‌دهد در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب بیشترین تبعیض‌ها در حوزه‌های اقتصادی مفروض انگاشته شده‌اند و بر تبعیض‌های اجتماعی و گروهی مانند تبعیض‌های جنسیتی کمتر تأکید شده است.

طبق مستندات پایان‌نامه کارشناسی ارشد "فرهنگ فقر" (افخمی، ۱۳۵۴)، در این زمینه، دو تئوری اصلی وجود دارد: ۱. نظریه انطباق: که معتقد است محیط، جامعه و شرایط اجتماعی است که در ایجاد فقر و فرهنگ آن مؤثر است. ۲. نظریه فرهنگ فقر: این نظریه معتقد است حتی اگر فقرا از لحاظ مالی تأمین شوند به دلیل علائق و ریشه‌داشتن فرهنگ فقر، پیوند خود را با آن از دست نمی‌دهند.

علیزاده گرجی (۱۳۸۶) در کار خود تحت عنوان "بررسی عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر فقر مادی با رویکرد جنسیتی (فقر و جنسیت)"، نشان می‌دهد در بین متغیرهای تبیین‌کننده فقر مادی، متغیر جنسیت، چهارمین عامل تأثیرگذار است. مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر فقر مصرفی به ترتیب عبارتند از: تعداد افراد باسواد خانوار، وضع سواد سرپرست، تعداد افراد شاغل در خانوار، وضع فعالیت، وضعیت تأهل سرپرست، باروری و سن سرپرست.

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

مقاله "مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها" (شکوری و دیگران: ۱۳۸۶) بر این نکته تأکید دارد که فقر زنان به مراتب فراتر از فقر مادی و مسئله تأمین امکانات ضروری زندگی است و شامل جنبه‌های وسیعتری چون دسترسی به فرصت‌ها، محرومیت از حق انتخاب، اتکا به خود، اعتماد به نفس، توانایی و امکان مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود.

مطالعه "مسئله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی" بر این نکته تأکید دارد که زنان در زمره آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در جوامع سنتی و از جمله در جوامع روستایی‌اند و فقر و موقعیت پایین اجتماعی آنها توضیح دهنده اصلی فقر دیرینه آنها است. به بیان دیگر، فقر بی‌ارتباط با جنسیت نیست (طالب و همکاران، ۱۳۹۰).

مطالعه‌ای تحت عنوان "وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی" ضمن بهره‌گیری از دو روش کمی (پیمایش) و کیفی (مصاحبه) نشان می‌دهد عوامل اجتماعی و فرهنگی (غیر درآمدی) متعددی در به حاشیه راندن زنان از جریان اصلی اجتماع نقش دارند که خود فرصت خروج از فقر و محرومیت را برای آنها دشوار می‌سازد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹).

شادی‌طلب در مقاله‌ای تحت عنوان "فقر زنان سرپرست خانوار" (۱۳۸۳) به بررسی این نکته می‌پردازد که سهم نابرابر و بیشتر زنان از فقر، در مقیاس جهانی غالباً در مفهوم "زنانه شدن فقر" انعکاس یافته است. عوامل بسیاری به عنوان متغیرهای مؤثر در زنانه شدن فقر مطرح شده است مانند نابرابری در حقوق و آنچه زنان در مقام شهروند باید استحقاق برخوردار آن را داشته باشند. اصلی‌ترین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد همواره سهم فقر زنان سرپرست خانوار بیشتر از مردان سرپرست خانوار بوده است و زن بودن احتمال قرار گرفتن در دایره فقر را افزایش می‌دهد.

"فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار" عنوان پژوهشی است که نتایج آن به شرح زیر است: ۱. زنان به خاطر زن بودن بیشتر در معرض فقر قرار دارند. ۲. فقر زنان فقط جنبه اقتصادی ندارد. ۳. جنبه‌های روانی و اجتماعی فقر زنان نیز مهم است. ۴. برای مبارزه با فقر، توانمندی زنان و تحولات ساختاری لازم است (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴).

چارچوب مفهومی

اسکار لوئیس انسان‌شناس انگلیسی لهستانی‌الصل در دو کتاب اصلی خود "فرزندان سانچز" و "پدرو مارتینز" (۱۹۷۴ و ۱۳۶۴) تصویری از زندگی درونی یک خانواده در یکی از محله‌های پست (در قلب شهری بزرگ در آمریکای لاتین که تغییر اقتصادی اجتماعی سریعی را از سر می‌گذراند) را نشان می‌دهد. او تداوم فقر، جهل، بیماری، سوءظن، رنج مداوم، شقاوت، فساد و ترس همه‌جاگیر، حسد و بی‌اعتمادی را در روابط متقابل خانواده‌ها با مؤلفه کلان فرهنگ فقر تشریح می‌کند. لوئیس برای توضیح مفهوم فرهنگ فقر از روشی استفاده کرد که نوع خاصی از مردم‌نگاری بود (از طریق تجزیه و تحلیل زندگی‌نامه‌های چندین خانواده و چندین فرد از اعضای یک خانواده بزرگ). از نظر لوئیس، فرهنگ فقر در شرایط ویژه‌ای رشد می‌کند و تجسم مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و الگوها است.

ویژگی‌های عمده فرهنگ فقر بدین صورت است؛ به لحاظ فرهنگی، فرهنگی محلی و منطقه‌ای دارد، عدم وابستگی بیشتر فقرا به نهادهای ملی و احزاب سیاسی، عدم همکاری با مؤسسه‌های بهداشتی و رفاهی، عدم استفاده از اماکن رفاهی و توسعه‌ای مثل بانک‌ها، موزه‌ها و... . بیکاری، کم‌کاری و مزدهای پایین، شغل‌های بی‌مهارت، نبود پس‌انداز، کمبود ذخیره مواد غذایی در خانه، قرض گرفتن از نزول‌خواران محلی با بهره‌های سنگین از ویژگی‌های اقتصادی فرهنگ فقر است. به لحاظ اجتماعی و روانی؛ محله‌های فقیر ساختی شلوغ دارند، آپارتمان‌هایی با حداقل ساخت سازمانی در این محله‌ها وجود دارد و ماهیت خانواده مبتنی بر نظام خویشاوندی دوطرفه است. به دلیل ترک زوجه و ازدواج‌های قراردادی، ازدواج‌ها بی‌ثبات و اکثر خانواده‌ها مادرمحورند، نگرش، ارزش و شخصیت فقیر به گونه‌ای است که فرد احساس تقدیرگرایی قومی، وابستگی، خودکم‌بینی، حقارت، احساس بودن در حاشیه اجتماع و ناامیدی می‌کند، روش زندگی در زمان حال را برمی‌گزیند و به‌نوعی به تقدیرگرایی ابدی تن می‌دهد. به طور کلی، شاخص‌های مهم فرهنگ فقر نظریه اسکار لوئیس عبارتند از: عدم مشارکت فقرا در کار مؤسسه‌های عمومی به عنوان عضو مسلم جامعه؛ بهره‌ناچیز آنها از بانک‌ها، بیمارستان‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، موزه‌ها و تالارهای هنری؛ بی‌اعتمادی به دولت و دارندگان جاه و مقام؛ بیزاری از پلیس؛ اخذ وام از رباخواران محلی با بهره سنگین؛ گرو گذاشتن اشیای شخصی؛ خرید اثاث و لباس کهنه؛ تقدیرگرایی؛ کوتاهی دوران کودکی؛ محروم بودن کودکان از حمایت‌های لازم؛

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

محرومیت افراد از مهر و محبت مادری؛ شروع روابط جنسی در سنین پایین؛ روابط آزاد و یا ازدواج‌های قراردادی؛ ترک زن و فرزند؛ شکاف زیاد در بین اعضای خانواده؛ آزادی و استقلال فرزندان برای ترک خانه؛ منش ضعیف؛ پرخاشگری؛ عدم تمایل به پس‌انداز؛ کار زنان و جوانان؛ خانه‌های کوچک پرجمعیت؛ پایین بودن سطح سواد؛ پایین بودن درآمد و داشتن مزد اندک (لوئیس، ۱۹۷۴). مفهوم فرهنگ فقر از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت است؛ یکی از این جنبه‌ها، مسئله سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاست عمومی است. به طور کلی در حوزه توسعه (با تمام ابعاد) در سال‌های اخیر رویکرد جدیدی با عنوان رویکرد فرهنگی به فقر به وجود آمده است که خود جزئی از مفهوم فرهنگی شدن است (فرهنگی شدن عرصه سیاست، اقتصاد و اجتماع). مفهوم فرهنگی شدن بدین معناست که حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در حال ادغام شدن در یکدیگرند. در دهه‌های اخیر به دلیل گسترش صنایع فرهنگی و اهمیت نقش عامل انسانی، گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی و فرآیندهای جهانی شدن و از همه مهمتر به دلیل ناکامی رویکردهای اقتصادگرا در امر توسعه، نقش فرهنگ گسترش یافته است.

اصطلاح فرهنگ فقر در کاربرد انسان‌شناسی، الگویی از زندگی است که از نسلی به نسلی سپرده می‌شود. بدین معنا فقر تنها به معنای محرومیت اقتصادی، بی‌سازمانی یا کمبود بسیاری چیزها نیست بلکه فقر دارای ساخت است، مکانیسمی عقلایی و تدافعی دارد که بدون آن فقرا به زحمت می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند و خلاصه، شیوه‌ای از زندگی است. فرهنگ فقر کیفیت تعاملات اجتماعی است، عواقب روانی دارد، عاملی است که بر پیوستن به فرهنگ ملی بزرگتر اثر می‌گذارد و خود به صورت نوعی خرده‌فرهنگ در می‌آید، خرده‌فرهنگی که می‌تواند آسیب‌زا و مخرب باشد چرا که طرد متقابل فرد و اجتماع بزرگتر را به همراه دارد. به طور کلی با توجه به دیدگاه فرهنگ فقر می‌توان گفت آسیب جزئی از زندگی توأم با فقر است. افراد درون فرهنگ فقر اعم از زن و مرد، علاقه زیادی به کنترل‌گریزی و طرد قواعد خانواده دارند.

بر این اساس نظریه فرهنگ فقر به دلیل در برداشتن دو بعد اساسی و مؤثر در آسیب؛ یعنی فقر و بعد مالی و فرهنگ و بعد غیرمالی، مبنایی برای بررسی حاشیه‌نشینی قرار گرفت که به طور بالقوه

توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

معمولاً مسئله فرهنگ و فقر را دارد (به صورت بالقوه محلات و مناطق حاشیه‌نشین با مشکلات فقر و بیکاری، مسائل فرهنگی و سایر مشکلات اجتماعی دست به گریبان‌اند).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از طرح تحقیق آمیخته تشریحی استفاده شده است. در طرح آمیخته تشریحی پژوهشگر به منظور تشریح یک پدیده، وزن اصلی را به داده‌های کمی اختصاص می‌دهد، اما از داده‌های کیفی برای تشریح ابعاد مختلف پدیده استفاده می‌کند. همچنین، فرایند گردآوری داده‌ها را در دو مرحله به انجام می‌رساند؛ ابتدا داده‌های کمی و سپس داده‌های کیفی گردآوری می‌شود. به عبارت دیگر، از داده‌های کیفی برای توضیح بیشتر و آشکار کردن برخی از جنبه‌های ابهام‌برانگیز استفاده می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۶). در این مطالعه ما دو نمونه مجزا داریم، گروه مبرا (از آسیب) که با توجه به روش کمی و از طریق فرمول کوکران تعدادشان مشخص شد و گروه مبتلا (به آسیب) که به دلیل حساسیت موضوع و نبود آمار دقیق به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی شناسایی شدند. این دو گروه با هدف سنجش رابطه فرهنگ فقر و آسیب‌دیدگی زنان با یکدیگر مقایسه شده‌اند. داده‌های کمی از طریق پرسشنامه جمع شده است (به همین منظور تمامی ۳۸۳ نفر نمونه آماری به سؤالات پرسشنامه پاسخ داده‌اند). واحد تحلیل این پژوهش زنان و دختران (۱۵ تا ۵۹ ساله) مبتلا و مبرا ساکن منطقه است^۱. منطقه مورد پژوهش، دیزج (یا حصار دیزج با نام کنونی شهرک ولیعصر) است که با مساحت ۱۶۶ کیلومتر مربع در شمال غربی (ذیل منطقه چهار) شهر همدان واقع شده است. این منطقه به دلیل قرار گرفتن در حاشیه شهر و فراوانی ورود مهاجران (به‌ویژه از استان‌های کردستان، کرمانشاه و زنجان) ناهمگنی فرهنگی نسبتاً زیادی دارد و به لحاظ فراوانی آسیب‌های حاشیه شهری (به‌ویژه برای زنان) شناخته شده است.

با توجه به داده‌های آماری خانه بهداشت (منطقه دیزج)، جامعه آماری زنان ۱۵ تا ۵۹ ساله در سال ۱۳۹۱ (سال انجام پژوهش)، ۴۳۷۳ نفر بوده که حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران ۳۵۳ نفر

۱. به منظور بالا بردن کیفیت و اعتبار علمی پژوهش با ۲۷ نفر از زنان آسیب‌دیده مصاحبه عمیق صورت گرفته است که به دلیل محدودیت فضا تنها به بخشی مختصری از سخنان آنان در قسمت یافته‌های تحلیل اشاره شده است.

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

محاسبه شد و برای کاهش خطا این میزان به ۳۸۳ نفر افزایش یافته است. برای تعیین حجم نمونه زنان مبرا از آسیب از فرمول کوکران استفاده شده است. در این فرمول ۳۰۰ نفر از مجموع ۴۳۷۳ نفر به عنوان حجم نمونه مبرا و ۸۳ نفر به عنوان حجم نمونه مبتلا انتخاب شدند. پرسشنامه‌های پژوهش در بین افراد مبرا و مبتلا به ترتیب به روش تصادفی ساده و روش گلوله‌برفی تکمیل شده است (به‌منظور افزایش روایی، ۷۶ پرسشنامه در مرحلهٔ آزمون مقدماتی- پیش‌آزمون- در میان افراد جامعه آماری تکمیل شد).

جدول ۱. ضریب روایی متغیرها در دو آزمون مقدماتی و نهایی

متغیر وابسته	دفعات آزمون	متغیر مستقل	ضریب روایی (آلفای کرونباخ)
فرهنگ فقر	مقدماتی	۱۹	۰/۷۱
	نهایی	۱۹	۰/۸۰

فرهنگ فقر بر مبنای ۵ خصیصه عمده طبق نظریات اسکار لویس (فردی، خانوادگی، محلی، اجتماعی و اقتصادی) سنجیده شد، که بر مبنای اولویت بار عاملی دسته‌بندی شده‌اند. پاسخگویان با توجه به نمره کسب‌شده، پس از تعیین حداقل نمره، ۱۹ و حداکثر ۹۵ و دامنهٔ تغییرات ۶۵، به پنج گروه تقسیم شدند. پاسخگویانی که نمره آنان بین ۱۹ تا ۳۳/۴ باشد، "فقرگرایی بسیار ضعیف"، پاسخگویانی که نمره آنان بین ۳۳/۴۱ تا ۴۹/۸۱ باشد، "فقرگرایی ضعیف"، پاسخگویانی که نمره آنان بین ۴۹/۸۲ تا ۶۵/۲۲ باشد، "فقرگرایی متوسط"، پاسخگویانی که نمره آنان بین ۶۵/۲۳ تا ۸۰/۶۳ باشد، "فقرگرایی قوی" و پاسخگویانی که نمره آنان بین ۸۰/۶۴ تا ۹۵ باشد، "فقرگرایی بسیار قوی" داشته‌اند.

تعریف عملیاتی: گویه‌های پژوهش پس از تقسیم فرهنگ فقر به پنج مؤلفهٔ اساسی^۱ (نابسامانی اقتصادی، تعلق محلی، نابسامانی خانوادگی، نابسامانی اجتماعی، ناامیدی) به شرح زیر تعریف شده‌اند:
نابسامانی اقتصادی: شرایطی که فرد به لحاظ مالی و پولی قادر به پاسخگویی به نیازهای اولیهٔ خود نیست، توانایی خرید کالای نو و پس‌انداز را ندارد و به دیگران مقروض است.^۱

۱. مبنای این دسته‌بندی نظریهٔ لویس و همهٔ ابعاد اساسی مفهومی (فردی و اجتماعی) نظریهٔ فرهنگ فقر بوده است.

تعلق محلی: احساس فرد مبنی بر علاقه و دوست داشتن محله‌ای که در آن زندگی می‌کند، عدم مشاجره و نزاع با همسایگان، درک همسایگان و تمایل برای ماندن و ادامه زندگی در محله‌ای که ساکن آن است.^۲

نابسامانی خانوادگی: شرایط خاصی که رشد روانی و شخصیت فرد در خانواده را مختل می‌سازد: غیبت پدر به عنوان سرپرست خانواده، عدم دریافت حمایت و محبت از طرف والدین و ازدواج در سنین پایین و کودکی کوتاه.^۳

نابسامانی اجتماعی: شرایطی که در آن فرد علاقه‌ای به مشارکت اجتماعی و داشتن نقشی مثبت در جامعه ندارد، خود را جزئی از جامعه نمی‌داند و احترامی برای ارزش‌های اجتماعی چون سواد و پایبندی به قانون قائل نیست.^۴

ناامیدی: زمانی که فرد هدفی برای زندگی خود ندارد و اصولاً خود را ناتوان در کنترل شرایط پیرامونش ببیند و هرگونه تلاشی را برای بهبود زندگی‌اش بی‌فایده و پوچ بداند.^۵

-
۱. گویه‌های سنجش نابسامانی اقتصادی: معمولاً دچار بی پولی می‌شوم/ زیاد پیش می‌آید که از در و همسایه و فامیل و آشنا پول قرض کنم/ بیشتر وسایل و اثاث زندگی‌مان را بصورت کهنه و دسته دوم می‌خریم/ مواد غذایی را اندک، اندک و در صورت نیاز روزانه می‌خریم.
 ۲. گویه‌های سنجش تعلق محلی: من نسبت به محله‌مان احساس تعلق می‌کنم/ غالباً با همسایه‌هایمان درگیری و مشاجره داریم/ بنظر همسایگان و هم محله‌ای‌های ما بیشتر از بستگانمان که در شهر و یا محلات دیگر زندگی می‌کنند شبیه ما هستند/ اگر امکان زندگی در منطقه دیگری از شهر را داشتم اینجا نمی‌ماندم.
 ۳. گویه‌های سنجش نابسامانی خانوادگی: دوران کودکی من بسیار کوتاه‌تر از همسالانم بوده است/ پیش آمده که پدرم در مقطعی خانه و خانواده را ترک کرده باشد/ من همیشه از حمایت‌های والدینم برخوردار نبوده‌ام/ من همیشه برای جلب توجه و محبت مادرم با خواهر و برادرانم رقابت کرده‌ام.
 ۴. گویه‌های سنجش نابسامانی اجتماعی: علاقه‌ای به دنبال کردن سیاست و اوضاع سیاسی کشور ندارم (اختیار سیاسی) / سواد و تحصیلات همیشه به دردی‌خور نیست/ بعضی از قوانین را می‌شود زیر پا گذاشت بدون اینکه مشکلی پیش بیاید.
 ۵. گویه‌های سنجش ناامیدی: امید به بهتر شدن اوضاع زندگی ندارم/ امید دارم اما توانایی تغییر زندگی خود را ندارم/ برنامه‌ریزی برای آینده بیهوده است. زمان حال مهمه/ کسی که بدبخته تا آخرش بدبخته.

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

یافته‌های تحقیق

شهر همدان از لحاظ جمعیت چهاردهمین شهر پرجمعیت ایران به شمار می‌آید و در مرداد سال ۱۳۸۸ به عنوان یکی از کلان‌شهرهای ایران معرفی شد. همانطور که اشاره شد حصار دیزج منطقه‌ای حاشیه‌ای در کنار کلان شهر همدان است که به انواع و اقسام آسیب‌ها به ویژه در میان زنان شناخته شده است و به نوعی مرکز آسیب‌های اجتماعی است. طبق آمار خانه بهداشت (در سال ۱۳۹۱) از ۱۴۵۰۸ نفر جمعیت این منطقه ۷۸۶۵ نفر را مردان و ۶۶۴۳ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. سبک زندگی و در حاشیه بودن این منطقه به لحاظ فیزیکی و فرهنگی - اجتماعی، قرابت بسیار زیادی را با فضای خاصی که لوئیس برای پیدایی فرهنگ فقر برمی‌شمرد، ایجاد کرده است.

الف) وضعیت آسیب‌ها: نوع و میزان آسیب در گروه "افراد مبتلا" به شرح زیر دسته‌بندی شده

است.

جدول ۲. فراوانی و درصد آسیب‌های منطقه

تعداد آسیب‌ها	آماره نوع جرم	فراوانی	درصد خالص
۱	قتل	۳	۳/۶
۲	مواد	۵۲	۶۲/۷
۳	رابطه نامشروع	۱۵	۱۸/۱
۴	مالی و سرقت	۴	۴/۸
۵	باند فساد	۱	۱/۲
۶	اشتباه شده	۱	۱/۲
۷	خودکشی	۲	۲/۴
۸	فحشا	۵	۶
-	جمع	۸۳	۱۰۰

ب) صفات فردی پاسخگویان: همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد افراد هر دو گروه بر اساس

ویژگی‌های فردی (برحسب متغیرهای اسمی) مشخص شده‌اند:

توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

جدول ۳. صفات فردی پاسخگویان

افراد مبتلا		وضعیت تأهل	افراد مبرا	
درصد خالص	فراوانی مطلق		فراوانی مطلق	درصد خالص
۵۰/۶	۴۲	متاهل	۱۵۷	۵۲/۳
۱۲	۱۰	مجرد	۱۱۸	۳۹/۳
۳۰/۱	۲۵	مطلقه	۱۳	۴/۳
۲/۷	۶	بیوه	۱۲	۴
۱۰۰	۸۳	کل	۳۰۰	۱۰۰
وضعیت اشتغال				
۴۲/۲	۳۵	بیکار	۲۳	۷/۷
۴۷	۳۹	خانه‌دار	۱۷۵	۵۸/۳
-	-	دانشجو	۱۳	۴/۳
۲/۴	۲	دانش آموز	۸۰	۲۶/۷
۶	۵	شاغل	۸	۲/۷
۲/۴	۲	دارای درآمد بدون شغل	۱	۳
۱۰۰	۸۳	کل	۳۰۰	۱۰۰
گروه‌های سنی				
۲۲	۱۸	۱۵ تا ۲۴ سال	۳/۴۴	۱۳۳
۳۶/۶	۳۰	۲۵ تا ۳۴ سال	۷/۲۱	۶۵
۳۲/۹	۲۷	۳۵ تا ۴۴ سال	۲۴	۷۲
۶/۱	۵	۴۵ تا ۵۴ سال	۷/۶	۲۰
۲/۴	۲	۵۵ به بالا	۳/۳	۱۰
۱۰۰	۳۱/۷	میانگین	۵/۲۸	۳۰۰
قومیت				
۳۲/۵	۲۷	فارس	۱۱۰	۷/۳۶
۳۴/۹	۲۹	ترک	۱۰۶	۳/۳۵
۲۷/۷	۲۳	کرد	۷۸	۲۶
۳/۶	۳	لر	۴	۳/۱
۱/۲	۱	سایر	۲	۷
۱۰۰	۸۳	کل	۳۰۰	۱۰۰

داده‌های جدول نشان می‌دهد:

- زنان متأهل تقریباً نیمی از جمعیت هر دو گروه را تشکیل می‌دهند، با این تفاوت که رقم زنان مطلقه در گروه افراد مبتلا رقمی قابل توجه و حدود یک سوم است.
- بیشترین تعداد افراد مبرا در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال و بیشتر زنان مبتلا به آسیب در سنین ۲۵ تا ۴۴ سال قرار دارند.

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

- به لحاظ شرایط اشتغال: بیشتر زنان خانه‌دار بودند. تعداد بیکاران در گروه افراد مبتلا نسبتاً زیاد (۴۲/۲ درصد) است، ضمن اینکه در این گروه دانشجو وجود ندارد.

- از ۳۰۰ نفر پاسخگوی مبرا، ۳۶/۷ درصد فارس زبان، ۳۵/۳ درصد ترک زبان، ۲۶ درصد کرد زبان بوده‌اند. باقیمانده به سایر قومیت‌ها تعلق داشته‌اند. از ۸۳ نفر پاسخگوی آسیب‌دیده ۲۷ نفر معادل ۳۲/۵ درصد فارس، ۲۹ نفر معادل ۳۴/۹ درصد ترک، ۲۳ نفر معادل ۲۷/۷ درصد کرد بوده‌اند.

ج) آمارهای استنباطی صفات فردی: داده‌ها و آمارهای استنباطی سه متغیر "تحصیلات"، "بعد خانوار" و "مدت سکونت در منطقه" در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. آمارهای استنباطی صفات فردی

متغیرها	وضعیت آسیب‌دیدگی	تعداد پاسخگویان	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد
تحصیلات	مبرا	۳۰۰	۶/۹	۸	۵	۴/۱۲
	مبتلا	۸۳	۴/۸	۵	۵	۳/۳۲
بعد خانوار	مبرا	۳۰۰	۴/۵	۴	۴	۱/۶۵
	مبتلا	۸۳	۴/۹	۵	۵	۲/۳۳
مدت سکونت در منطقه	مبرا	۳۰۰	۱۸	۱۷	۲۰	۱۱/۴
	مبتلا	۸۳	۱۳	۱۰	۲۰	۱۱/۴

- مقایسه میانگین تحصیلات افراد مبتلا (۴/۸) نسبت به میانگین افراد مبرا (۶/۹) آشکارا نشان‌دهنده پایین بودن سواد مبتلایان است.

- به لحاظ میانگین تعداد افراد خانوار، تفاوت محسوسی بین دو گروه وجود ندارد و تعدد فرزندان در هر دو گروه مشاهده می‌شود.

- سکونت کمتر افراد مبتلا و به نوعی غیربومی بودن آنان نسبت به افراد مبرا نتیجه‌ای است که از مقایسه میانگین‌های هر دو گروه حاصل می‌شود چرا که میانگین مدت سکونت برای زنان فاقد آسیب ۱۸ سال و میانه ۱۷ سال است در حالی که میانگین و میانه برای مبتلایان به ترتیب برابر با ۱۳ و ۱۰ سال است.

د) آمارهای توصیفی طیف فرهنگ فقر: فقرگرایی پاسخگویان در ۵ بُعد، در قالب طیف لیکرت

بررسی شد. جدول ۵ جمع‌بندی نمره‌ها در ۵ بعد مذکور است:

توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

جدول ۵. آماره‌های توصیفی ابعاد ۵ گانه فرهنگ فقر (فقرگرایی)

افراد مبتلا (n=۸۳)		بی تفاوتی اجتماعی	افراد مبرا (n=۳۰۰)	
درصد خالص	فراوانی مطلق		فراوانی مطلق	درصد خالص
۸/۴	۷	خیلی پایین	۲۳	۷/۷
۲۱/۷	۱۸	پایین	۹۷	۳۲/۳
۲۴/۱	۲۰	متوسط	۱۰۴	۳۴/۷
۳۶/۱	۳۰	بالا	۶۵	۲۱/۷
۹/۶	۸	خیلی بالا	۱۱	۳/۷
۱۰۰	۸۳	کل	۳۰۰	۱۰۰
نابسامانی اقتصادی				
۱/۲	۱	خیلی پایین	۱۳	۳/۴
۴/۸	۴	پایین	۴۸	۱۶
۷/۲	۶	متوسط	۹۶	۳۲
۳۶/۱	۳۰	بالا	۷۷	۲۵/۷
۵۰/۶	۴۲	خیلی بالا	۶۶	۲۲
۱۰۰	۸۳	کل	۳۰۰	۱۰۰
تعلق محلی				
۱/۲	۱	خیلی پایین	۳	۱
۸/۴	۷	پایین	۳۹	۱۳
۵۵/۴	۴۶	متوسط	۱۴۳	۷/۴۷
۲۴/۱	۲۰	بالا	۸۳	۷/۲۷
۱۰/۸	۹	خیلی بالا	۳۲	۷/۱۰
۱۰۰	۸۳	کل	۳۰۰	۱۰۰
نابسامانی خانوادگی				
۱/۲	۱	خیلی پایین	۳۶	۱۲
۸/۴	۷	پایین	۷۴	۲۴/۷
۳۳/۷	۲۸	متوسط	۱۳۴	۴۴/۸
۲۴/۱	۲۰	بالا	۴۳	۱۴/۴
۳۲/۵	۲۷	خیلی بالا	۱۲	۴
۱۰۰	۸۳	کل	۳۰۰	۱۰۰
نامیدی				
۱/۲	۱	خیلی پایین	۱۸	۶
۱۰/۸	۹	پایین	۹۹	۳۳
۲۷/۷	۲۳	متوسط	۹۱	۳۰/۳
۲۷/۷	۲۳	بالا	۶۹	۲۳
۳۲/۵	۲۷	خیلی بالا	۲۳	۷/۷
۱۰۰	۸۳	کل	۳۰۰	۱۰۰

داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد عمده پاسخگویان مبرا (۳۴/۷ درصد) بی تفاوتی اجتماعی "متوسط" را گزارش کرده‌اند، در حالی که عمده پاسخگویان آسیب‌دیده (۳۶/۱ درصد) بی تفاوتی

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

اجتماعی "بالا" داشته‌اند. در حالی که وضعیت نابسامانی اقتصادی پاسخگویان مبرا پراکنده است، وضعیت نابسامانی اقتصادی پاسخگویان مبتلا به آسیب عمدتاً "خیلی بالا" و "بالا" گزارش شده است. وضعیت تعلق محلی پاسخگویان در هر دو گروه مبتلایان و افراد مبرا ارقامی نزدیک به یکدیگر است. وضعیت نابسامانی خانوادگی پاسخگویان مبرا "متوسط" ارزیابی می‌شود درحالی که یک سوم از مبتلایان (۲۷ نفر معادل ۳۲/۵ درصد) نابسامانی خانوادگی خود را "خیلی بالا" گزارش کرده‌اند. در حالی که بیشتر پاسخگویان مبرا (۳۳ درصد) میزان ناامیدی خود را "پایین" بیان کرده‌اند، بیشتر پاسخگویان مبتلا (۳۲/۵ درصد) ناامیدی خود را "خیلی بالا" اعلام کرده‌اند.

تحلیل آسیب‌دیدگی بر مبنای فرهنگ فقر و مؤلفه‌های آن

در مورد همه متغیرهای مستقل پژوهش به دلیل نابرابری در کمیت (۸۳ نفر مبتلا و ۳۰۰ نفر مبرا) آزمون t برای تفاوت معناداری به کار گرفته شده است.^۱

تأثیر فرهنگ فقر بر آسیب‌های اجتماعی زنان منطقه مورد مطالعه با استفاده از ۵ مؤلفه بی‌تفاوتی اجتماعی، نابسامانی اقتصادی، تعلق محلی، نابسامانی خانوادگی و ناامیدی سنجیده شده است. در جدول ۶ تأثیر فرهنگ فقر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن بر آسیب‌های اجتماعی زنان بیان شده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل آسیب‌های اجتماعی بر حسب فرهنگ فقر و مؤلفه‌های آن

متغیر وابسته	متغیر مستقل	افراد مبرا		افراد مبتلا		شاخص t	سطح معناداری ارتباط مؤلفه‌ها
		میانگین	تحراف معیار	میانگین	تحراف معیار		
آسیب‌های اجتماعی	فرهنگ فقر (شاخص کلان)	۵۵/۸۱	۱۱/۶۲	۶۷/۲۱	۱۰/۸۳	-۸/۰۲	۰/۰۰۰
	بی‌تفاوتی اجتماعی	۸/۰۶	۲/۴۸	۹/۱۴	۲/۹۳	-۳/۳۷۳	۰/۰۰۱
	نابسامانی اقتصادی	۱۳/۲۶	۴/۰۷	۱۶/۳۶	۳/۳۶	-۶/۳۵۷	۰/۰۰۰
	تعلق به محله	۱۲/۶۸	۳/۰۷	۱۲/۷۸	۳/۰۵	-۰/۶۲۶	۰/۷۹۳
	نابسامانی خانوادگی	۱۰/۴۸	۳/۴۳	۱۴/۵۷	۳/۸۶	-۹/۳۳۳	۰/۰۰۰
	ناامیدی به آینده	۱۱/۱۹	۳/۷۹	۱۴/۳۴	۳/۸۴	-۶/۶۹۲	۰/۰۰۰

۱. یکی از متداول‌ترین آزمون‌های t، آزمون t برای تفاوت میانگین‌های دو گروه مستقل است. در مواردی که نمونه‌ها با هم هیچ‌گونه همبستگی نداشته باشند از این آزمون استفاده می‌شود. تفاوت آماره این آزمون با آماره t وابسته فقط در خطای معیار تفاوت دو میانگین نمونه است.

توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

بر اساس آزمون مقایسه میانگین‌ها، نمره میانگین فرهنگ فقر افراد مبرا ۵۵/۸۱ درصد است که کمتر از میانگین نمره مبتلایان (۶۷/۲۱ درصد) است. لذا با توجه به سطح معناداری آزمون که برابر با ۰/۰۰/۰ است، می‌توان گفت که تفاوت به‌دست آمده از لحاظ آماری معنادار است. یعنی مبتلایان به آسیب نسبت به افراد مبرا فقرگراتر بوده‌اند. ایشان تجربه زندگی نابسامان‌تر از حیث خانواده، اقتصاد و شخصیت روانی داشته‌اند.

در زیر علاوه بر نمره کل و آزمون تفاوت آماری فرهنگ فقر، نمره‌های تفاوت آماری مؤلفه‌های آن نیز به تفکیک آمده است.

الف) بی تفاوتی اجتماعی

بر اساس آزمون مقایسه میانگین‌ها، نمره میانگین بی تفاوتی اجتماعی افراد مبرا ۸/۰۶ درصد است که کمتر از میانگین نمره افراد مبتلا (۹/۱۴ درصد) است. همچنین با توجه به سطح معناداری آزمون (برابر با ۰/۰۰۰/۰)، می‌توان گفت که تفاوت موجود، تصادفی و بی‌معنا نیست. یعنی افراد مبتلا، بی تفاوتی بیشتری نسبت به محیط پیرامون خود داشته‌اند. زنان مبرا برای سواد و تحصیلات و ارتباط با جامعه، ارزش به مراتب بیشتری قائل بودند.

به منظور تصریح بیشتر موضوع چند مورد از گفته‌های ایشان در مصاحبه‌ها عیناً نقل می‌شود:
ز. ۳۲ ساله «من اصلاً اخبار و گوش نمی‌کنم، مهم هم نیست برام که چه اتفاقی داره تو مملکت میفته، انقد بدبختی دارم تو زندگی که حالی نمی‌مانه برای دنبال کردن اوضاع سیاسی... سواد هیچ مهم نیست، پیشانی آدم مهمتره، میشه بعضی قانونا رو رد کنی».

ر. ۳۸ ساله: «من با اخبار سیاسی اصلاً کار ندارم، من تنها کاری که می‌کنم از صبح نوازه می‌ذارم تو سی دی و گوش می‌کنم، سواد به درد آدم نمیخوره، قانونم میشه زیر پا بلذاری بستگی به قانونش داره».

م. ۳۲ ساله: «من اصلاً علاقه‌ای به دنبال کردن اوضاع سیاسی ندارم، سواد هم به دردبخور نیست، همیشه هم با زیر پا گذاشتن قانون مشکل پیش نیامد. بستگی داره کجا زیر پا بذارشون...».

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

ب) نابسامانی اقتصادی

نداشتن درآمد و منبع مشخص برای رفع مایحتاج خانواده یکی از عوامل مهم آسیب‌گرایی مبتلایان بوده است. آسیب‌های زنانه در جامعه مورد مطالعه متأثر از وضعیت اقتصادی ایشان بوده است. افراد مبتلا به آسیب وضعیت اقتصادی به مراتب بدتری از زنان میرا از آسیب داشته‌اند. میانگین نابسامانی اقتصادی افراد میرا ۱۳/۲۶ است که کمتر از میانگین نمره مبتلایان (۱۶/۳۶ درصد) است. سطح معناداری رابطه میان مؤلفه‌ها (۰/۰۰۰ درصد) نیز نشان می‌دهد که ارتباط میان دو متغیر تصادفی نیست.

ز. ۳۷ ساله: «خیلی دچار بی‌پولی میشم، ولی کمتر قرض میگیرم، چون باید پس بدم، من همیشه وسایلم دست دومه، فقط جهازم بود که دست اول بود... میخوام مواد غذایی رو ماه به ماه بخرم ولی نمیشه، نمیره، به خاطر همین، روز به روز می‌خرم».

ر. ۳۸ ساله: «خیلی پول قرض می‌کنم، وسایلم دست دوم می‌خرم، مواد غذایی‌مو روز به روز می‌خرم، ماه میشه هیچی ندارم که بخورم، اصلاً حقیقتش، مثلاً میرم میوه‌هایی که به طرفش گندیدست یا به لکه‌ای چیزی داره اوناره جمع میکنم میارم».

ف. ۴۲ ساله: «خیلی دچار بی‌پولی میشم... با شرایط اقتصادی حالا چاره‌ای جز روز به روز خریدن مواد غذایی ندارم».

ج) تعلق محلی

بر اساس آزمون مقایسه میانگین‌ها نمره میانگین تعلق محلی افراد میرا ۱۲/۶۸ است که بسیار نزدیک به نمره میانگین افراد مبتلا ۱۲/۷۸ است. لذا با توجه سطح معناداری آزمون (۰/۷۹۳ درصد) می‌توان گفت که تفاوت به دست آمده از لحاظ آماری معنادار نیست.

د) نابسامانی خانوادگی

آزمون تفاوت معناداری و مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که تقریباً اکثر زنان آسیب دیده در خانواده‌ای نابسامان رشد کرده و همواره با مشکلات آن درگیر بوده‌اند. سؤالاتی که برای سنجش نابسامانی

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

خانوادگی از پاسخگویان پرسیده شد شامل فرصت کودکی و بچگی کردن، ترک خانه و خانواده توسط پدر و یا تلاش برای جلب توجه و محبت والدین بوده است (این مؤلفه‌ها بر اساس خصوصیات است که لوئیس برای فرهنگ فقر در حوزه خانواده در نظر می‌گیرد). بر این اساس میانگین نابسامانی خانوادگی افراد مبرا ۱۰/۴۸ است که کمتر از نمره میانگین افراد مبتلا (۱۴/۵۷ درصد) است. لذا با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰ درصد) می‌توان گفت که این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است. یعنی نابسامانی و فقدان محبت و صمیمیت خانوادگی، منبع فعالی برای سوق دادن افراد مورد مطالعه به سوی آسیب بوده است.

ل. ۲۸ ساله: «منو خیلی زود صیغه کردن، قبلش که همش مسئولیت خانه با من بود، بازی کردن معنی نداشت برای من، هیچ وقت چیزی به اسم محبت والدین تو خانه‌ی ما معنی نداشته، اونا فقط منتظر بودن یکی بیاد و منو بدن بهش و راحت شن...».

ز. ۳۲ ساله: «بابام زیاد تهدید می‌کرد که میرم و دیگه برنمی‌گردم، اما هر بار که میرفت دوباره پیدایش می‌شد، هیچ وقت محبتی نداشتند، منم برام مهم نبود که محبت نمی‌کنن.».

ه) ناامیدی

زنان مبتلا به دلایل مختلف (از دست دادن سلامت، آبرو، سرمایه مالی و...) از سایر زنان ناامیدتر بوده‌اند. ایشان آینده مثبتی برای خود متصور نمی‌شدند. میانگین ناامیدی افراد مبرا (۱۱/۱۹ درصد) است که کمتر از میانگین نمره مبتلایان (۱۴/۳۴ درصد) است. لذا با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰ درصد) می‌توان گفت تفاوت به دست آمده از لحاظ آماری معنادار است.

در جملات مبتلایان، الفاظ گویای ناامیدی فراوان است:

ل. ۲۸ ساله: «یکی مثل من از اول بدبخت بوده تا آخرم بدبخت می‌مونه، مهم الانه آدمه، برنامه‌ریزی به درد ما نمیخوره، من نه امید دارم نه توانایی تغییر... زندگی من آگه بدتر نشه خیلی شانس آوردم...».

ر. ۳۸ ساله: «هیچ توانایی برای زندگیم ندارم، آینده‌ای هم ندارم، من همون بدبختیم که تا آخرش بدبخته، میخوام خودکشی کنم حقیقتش، دیگه راهی ندارم، چون می‌ترسم کارم به فساد بکشه و دو نفر نادان بیشینه زیر پام و بدبخت شم.».

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

ز. ۳۶ ساله: «واقعاً من امیدی به زندگیم ندارم و هیچ بهبودی قرار نیست برای من اتفاق بیفته، اصلاً برنامه ریزی تو زندگیم وجود نداره و فقط زمانه حاله، امروزم برام مهمه، واقعاً همینه که یکی که بدبخته تا آخرش بدبخته».

بحث و نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر در کشور ما، گسترش صنایع فرهنگی و توسعه، فرآیند اهمیت یافتن بیشتر نقش مردم، گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی، فرآیندهای جهانی‌شدن و از همه مهم‌تر، ناکام ماندن رویکردهای اقتصادگرا در امر توسعه، باعث شده است رویکرد فرهنگی به حوزه‌های سیاست و اجتماع نیز گسترش یابد و این مسئله که چگونه می‌توانیم از دریچه رویکرد فرهنگی به همه مسائل نگاه کنیم، موضوع قابل توجهی جلوه کند. بر این اساس و به دلیل فاصله گرفتن از رویکرد بدیهی و آشکار رابطه آسیب‌های اجتماعی با فقر و ناتوانی مالی مقاله تلاش می‌کند تا از زاویه "مهم" و "تعیین‌کننده" و مورد اقبال در شرایط کنونی یعنی "فرهنگ" به بررسی آسیب‌دیدگی و آسیب‌گرایی بپردازد.

همان‌طور که پژوهش ازکیا (۱۳۸۱) بر مبنای نظریات چمبرز "بی‌قدرتی و انزوا" را به‌عنوان یکی از ابعاد مهم فقر روستایی مورد تأکید قرار می‌دهد، چرا که اقشار فقیر به دلیل نداشتن پول و سرمایه، کمی سواد، بی‌قدرتی و پایین بودن منزلت اجتماعی، اکثراً توانایی به‌دست آوردن منابع مختلف مادی و غیر مادی را ندارند و این خود باعث آسیب‌پذیری بیشتر آنان می‌شود، پژوهش حاضر نیز این مسئله را تأیید می‌کند که فقر با سازوکارهایش (بی‌سواد، انزوا، ناامیدی و...) و حاشیه‌نشینی و بی‌قدرتی مضاعف ناشی از جنسیت، دور باطلی است که از یک طرف زنان را مستعد آسیب‌دیدگی می‌کند و از طرف دیگر زن آسیب‌دیده را روز به روز به فقر بیشتر دچار می‌کند. زنان مبتلا، به دلیل برچسب خوردن توسط جامعه و تعلق نداشتن به جامعه بزرگتر از یک طرف دچار طرد اجتماعی شده‌اند، طرد به عنوان عاملی مؤثر در ایجاد فقر و آسیب، نقطه اشتراک پژوهش حاضر با مطالعه فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹) و طالب و همکاران (۱۳۹۰) است و از طرفی به خاطر پذیرشی که صرفاً در خرده فرهنگ بزهکاری و آسیب دارند در دور باطلی افتاده‌اند که خروج از آن بسیار دشوار است. یافته‌های

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi Director in Charge: Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

مطالعه عنبری (۱۳۸۸) از این جهت تأیید می‌شود که اگرچه برنامه‌های بعد از انقلاب سطح فقر مطلق در کشور را به حداقل ممکن کاهش داده اما به دلیل گستردگی فقر و محرومیت در برخی مناطق، بویژه نواحی روستایی و حاشیه‌ای، هنوز "فقر مزمن" از بین نرفته است (فقر مزمن شامل ابعاد غیرمادی فقر است، وضعیت زنانی که بی‌عدالتی و تبعیض‌های حاشیه‌نشینی را بصورت مضاعف تحمل می‌کنند، از طرفی به سبب حاشیه‌نشینی و محرومیت از امکانات مادی و غیرمادی جامعه بزرگتر و از طرف دیگر به خاطر محدودیت‌ها و تبعیض‌هایی که مردان علیه‌شان اعمال می‌کنند).

پژوهش حاضر یافته‌های مطالعه افخمی (۱۳۵۴)، شکوری و دیگران (۱۳۸۶)، شادی‌طلب (۱۳۸۳) و شادی‌طلب و همکاران (۱۳۸۴) را در این زمینه تأیید می‌کند که زن بودن احتمال قرار گرفتن در دایره فقر را افزایش می‌دهد و زنان بی‌سواد و کم‌سواد در مناطق حاشیه شهری به شدت در معرض فقر قرار داشته‌اند. فقر را آسانتر از فرهنگ فقر (به دلیل ریشه داشتن آن) می‌توان از بین برد و افزایش جمعیت (در جامعه‌ای که دچار نرخ بالای بیکاری است) و بی‌سوادی (بی‌سوادی هم علت و هم معلول عدم رشد کامل اقتصادی و اجتماعی است) عناصری از فرهنگ فقر است که پتانسیل آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. کاهش فقر، کاهش آن در "ابعاد مختلف" است چرا که فقر زنان به مراتب فراتر از فقر مادی و دارای ابعاد چندگانه اقتصادی، اجتماعی و روانی است.

در چرایی انتخاب زنان به عنوان جامعه هدف در پژوهش حاضر گفته شد که فقر برای زنان وضعیت ویژه‌ای را ایجاد می‌کند که به مراتب فراتر از فقر مادی و مسئله تأمین امکانات ضروری زندگی است. پژوهش حاضر مطالعه علیزاده گرجی (۱۳۸۶) را به لحاظ متغیرهای مورد بررسی (همچون سن، وضع سواد، وضع اشتغال، وضع تأهل) و یافته‌ها (زنان سرپرست خانوار فقیرترین فقرا هستند، فقر آنان فراتر از فقر مادی است و ریشه در تجارب زندگی آنان دارد) تأیید می‌کند.

اما زنان مبتلا به ویژه به لحاظ عادات نابهنجار و نوع زندگی نامتعارفشان بیشتر از سایرین درگیر نابسامانی اقتصادی بوده‌اند. این نوع ضعف مالی و اقتصادی بر از هم گسیختگی و خشونت خانوادگی و مسائل زناشویی اثر فراینده داشته است. آن‌گونه که اسکار لوئیس در مورد نابسامانی‌های زناشویی موجود در فرهنگ فقر می‌گوید، با کمی تفاوت فرهنگی و دینی، همین گسیختگی‌ها در میان مبتلایان وجود داشته است. برای مثال، در این جامعه آمار ازدواج رسمی و ثبت شده بسیار کم و ناچیز است،

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

اما به دلیل منع قانونی روابط جنسی آزاد، همهٔ افراد مورد مبتلا به آسیب، ارتباط با جنس مخالف را تحت نام "صیغه" توجیه کرده‌اند. البته این نوع صیغه‌ها، برخی از همان مشکلاتی که لوئیس برای فرزندان چنین رابطه‌هایی برمی‌شمرد (نداشتن شناسنامه به دلیل رسمی نبودن ازدواج والدین، مشکلات سرپرستی بچه‌ها، کوتاهی دوران کودکی و محروم بودن کودکان از حمایت‌های لازم، درس نخواندن و استمرار وضعیت ضعف) را به وجود آورده است. لوئیس می‌گوید: *سواد خانواده‌های تحت فرهنگ فقر کم است، عضو احزاب و سندیکاهای کارگری نیستند، از بانک‌ها، بیمارستان‌ها و فروشگاه‌های بزرگ، موزه‌ها و تالارهای هنری بهره‌ی ناچیزی می‌برند...*" با تمام تفاوت‌ها در اینجا نیز شرایط یکی است، زنان مبتلا به قدری در شیوهٔ زندگی نامناسب خویش فرو رفته‌اند که فرصتی برای رشد شخصیتی و فرهنگی خود ندارند و همان‌گونه که لوئیس به درستی اشاره می‌کند بهرهٔ ناچیزی از موزه‌ها و تالارهای هنری، بانک‌ها و فروشگاه‌های بزرگ دارند.

نکتهٔ مهم این است که آسیب‌گرایی زنان با ورود متغیرهای فرهنگی به بحث، واجد تحلیل‌های جدیدی می‌شود که نوعی نسبی‌گرایی فرهنگی را در خانواده‌ها بارز و برجسته می‌کند. بر این اساس فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی رابطه‌ای دوری را شکل می‌دهند که تأثیر یکدیگر را تشدید می‌کنند. آسیب‌گرایی زنان خود جزئی از تلهٔ موسوم به فرهنگ فقر است که رابطهٔ متقابل آنها قابل تبیین است یعنی آسیب‌دیدگی زنان باعث عمیق‌تر شدن فرهنگ فقر و در ادامه فاصله گرفتن از فرهنگ اخلاقی جامعه می‌شود. برای مثال زنان آسیب دیده، دارای روابط جنسی آزاد و مکرری‌اند که سنخیتی با فرهنگ عرفی جامعه ندارد. بر همین اساس و با وجود تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی که بین ایران و مکزیک وجود دارد به نظر می‌رسد فرهنگ فقر این اختلاف‌ها را کنار زده و نوعی شباهت رفتار و شیوهٔ زندگی یکسان می‌آفریند، یا به نوعی، بی‌اخلاقی و بی‌اعتقادی برای افراد به بار می‌آورد، با این توجیه که اگر قرار است جامعهٔ بزرگتر ما را به رسمیت نشناسد و با ما به عنوان حاشیه‌های ابدی رفتار کند، نیازی نیست که ما هم از قواعد جامعهٔ بزرگتر پیروی کنیم. بر این اساس این افراد هر جا فرصتی پیش بیاید قانون را زیر پا می‌گذارند (دزدی پرتکرارترین نوع انحراف از قانون است) و رفتار انحرافی را به دلیل انتقامی که از جامعهٔ بزرگتر، به دلیل طرد خود، می‌گیرند نه تنها منفی که مثبت

ارزیابی می‌کنند. البته در بین افراد میرا از آسیب، علی‌رغم سکونت در وضعیتی مشابه، این رفتار کمتر است و این تأیید دیگری است بر این که فرهنگ فقر و آسیب دیدگی، تقویت‌کننده یکدیگرند. همان‌طور که فراتحلیل پژوهش‌های انجام گرفته درحوزه فقر نشان می‌دهد، عمده مطالعات صورت گرفته در حیطه فقر به جنبه صرفاً مادی و اقتصادی آن می‌پردازند و نتایج توصیفی حاکی از مشهود بودن "رویکرد اقتصادی به فقر در ایران" است، در میان مطالعات اقتصادی به فقر نیز رویکرد کلان غلبه انکارناپذیری دارد و نگاه خرد اقتصادی سهم ناچیزی را به خود اختصاص داده است (محمدی، ۸۹-۱۳۸۸). بر این اساس پژوهش حاضر (بر مبنای دغدغه اصلی تمرکز بر مبنای غیرمادی فقر) لزوم بازنگری سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌ها در راستای ابعاد جامعه‌شناختی و خرد نسبت به موضوع فقر را پیشنهاد می‌کند. ضمن این که لازمه توسعه و دستیابی به آن تقویت حوزه‌های متعددی است (توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه انسانی، توانمندی جنسیتی و...) که لزوم بازنگری و بهبود وضعیت زنان در این راستا را امری حیاتی می‌نماید. به‌زعم برخی صاحب‌نظران (فاضلی، ۱۳۸۵) می‌توان گفت کار لوئیس نه‌تنها از نظر روش‌شناسی برای همه قابل استفاده است؛ بلکه رویکرد نظری او نیز از اهمیت زیادی در دنیای امروز برخوردار است. به تعبیر دیگر، به نظر می‌رسد که در شرایط امروز، وقت آن رسیده است که ایده نقش داشتن باورهای افراد در روند توسعه نیافتگی برخی جوامع، با وجود برخی مقاومت‌ها، بیشتر در فضای دانشگاهی و آکادمیک مطرح شود.

ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان ...

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). فقر، آسیب‌پذیری و توسعه (مطالعه موردی منطقه روستایی گرمسار). نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- افخم حکیمی، سودابه (۱۳۵۴). فرهنگ فقر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تعاون.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران، نشر آگه.
- شادی‌طلب، ژاله و گرای‌نژاد، علیرضا (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، شماره ۸.
- شادی‌طلب، ژاله؛ وهابی، معصومه؛ ورمزیار، حسن (۱۳۸۴). فقر درآمدی تنها یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
- شکوری، علی؛ رفعت‌جاه، مریم؛ جعفری، معصومه (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها. فصلنامه پژوهش زنان، سال پنجم، شماره ۱.
- طالب، مهدی؛ فیروزآبادی، سیداحمد و پیری، صدیقه (۱۳۹۰). مسئله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی (مطالعه موردی روستای گنبد پیر محمد از توابع شهرستان ملکشاهی استان ایلام). فصلنامه پژوهش زنان، سال نهم، شماره ۲.
- علیزاده گرجی، آزاده (۱۳۸۶). بررسی عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر فقر مادی با رویکرد جنسیتی (فقر و جنسیت). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی.
- عنبری، موسی (۱۳۸۹). بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران ۱۳۸۵-۱۳۶۵. مجله توسعه روستایی، دانشگاه تهران، دوره دوم، شماره اول.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۵). نشست "بررسی فرهنگ فقر" در گروه سیاست اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی.
- فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۹). وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۱.
- لوئیس، اسکار (۱۳۶۴). پدر و مارتینز. ترجمه: حشمت‌الله کامرانی. چ اول، تهران، نشر ایران یاد.
- لوئیس، اسکار (۱۹۷۴). فرزندان سانچز. ترجمه: حشمت‌الله کامرانی. چ اول، تهران، هرمس.
- لوئیس، اسکار (۱۳۵۳). فرهنگ فقر. ترجمه: مهدی ثریا. نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴-۱۳۷-۱۲۴.
- لوئیس، اسکار (۱۳۶۵). فرهنگ فقر. ترجمه: رجبعلی حاسبی. نشر نوبل تبریز.

توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

محمدی، محمدعلی (۱۳۸۸-۱۳۸۹). طرح: فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فقر. گروه پژوهشی رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی شهید بهشتی.

Oscar, lewis (1974). *the children of sanchez -autobiography of Mexican family*, penguin books.
Encyclopedia of sociology.

(مقاله بی پناهی زنان در برابر آسیب‌های اجتماعی) <http://vista.ir/article/229449>

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Dr. Seyed Ahmad Firouzabadi **Director in Charge:** Dr. Younes Nourbakhsh

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 **Website:** www.jrd.ut.ac.ir **Email:** jrd@ut.ac.ir